

مطالعه کیفی هدایت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس تجربه زیسته مشاوران مدرسه^۱

مهدی وجدانی همت^۱، آتوسا کلانتری هرمزی^۲، حسین سلیمی بجستانی^۳، کیومرث فرح‌بخش^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷

چکیده

در نظام آموزشی ایران، هدایت تحصیلی دانش‌آموزان به منظور ارتقا آمادگی تحصیلی / شغلی و دستیابی به موفقیت، از وظایف مشاوران مدرسه است. مطالعه حاضر با هدف پدیدارشناسی تجارب زیسته ۱۰ نفر از مشاوران مدارس شهر تهران، در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ به روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شد. تحلیل مضامین و کدگذاری مصاحبه‌ها به روش کلای‌زی صورت پذیرفته و حاصل آن استخراج ۱۶۰ مضمون، ۵۴ مقوله فرعی و ۲۴ مقوله اصلی بود. مقولات اصلی در چهاربخش تحت عناوین؛ ۱- ضرورت‌ها و الزامات برنامه هدایت تحصیلی، ۲- شایستگی‌های مورد نیاز دانش‌آموزان، ۳- عوامل مرتبط با مدرسه و خانواده، و ۴- چالش‌های هدایت تحصیلی موجود، دسته‌بندی شدند. دو بخش؛ ضرورت‌ها و الزامات برنامه، و شایستگی‌های مورد نیاز با پژوهش‌های مشابه خارجی هم‌سو بوده اما در رابطه با پژوهش‌های داخلی، این دو بخش جنبه نوآوری دارند. بخش‌های ۳ و ۴ که به عوامل مرتبط و چالش‌ها پرداخته‌اند، با پژوهش‌های داخلی و خارجی هم‌سو می‌باشند.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در رشته مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی است.

۲. دانشجوی مقطع دکتری تخصصی گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسؤل)
mehdivejdani20@gmail.com

۳. دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران At.kalantar@yahoo.com

۴. دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران H.salimi B@gmail.com

۵. دانشیار مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران kiumars@yahoo.com

واژگان کلیدی: هدایت تحصیلی، راهنمایی تحصیلی، آمادگی تحصیلی / شغلی، تجارب زیسته، مشاوران مدرسه.

مقدمه

عصر جهانی‌سازی اقتصاد چالش‌های اساسی را پیش‌روی جوانان، هنگام گذر از مدرسه به دنیای کار ایجاد کرده است (مان و هادلستون، ۲۰۱۶؛ اگبو، ۲۰۱۷). در این جهان معاصر، تأثیر سرمایه‌داری پویا و پیچیده بر مسیرهای پیش‌روی زندگی، نیاز فرد به کسب شناخت بیشتر از خود، تحصیل و دنیای کار را برای استفاده بهتر از این عدم قطعیت ضروری کرده (مرکز اروپایی رشد آموزش شغلی، ۲۰۱۵؛ شورای اتحادیه اروپا، ۲۰۰۴، ۲۰۰۸) و هماهنگ‌سازی ساختن زندگی شخصی با شغل در قرن بیست و یکم نیازمند دانش گسترده‌ای درباره خود، تحصیلات و فرصت‌های شغلی است (هولی و رایس، ۲۰۱۸؛ کاراکان اوزدمیر، ۲۰۱۹). به همین جهت، میزان آمادگی تحصیلی / شغلی^۱ فارغ‌التحصیلان مدارس، که بیانگر توانایی‌های کسب‌شده آن‌ها برای عملکرد موفق در تحصیل و پیشرفت شغلی در آینده است، معیاری مهم در ارزیابی نظام‌های آموزشی است (کابالیرو، والکر و فولر تیزکویز، ۲۰۱۱). افراد باید این آمادگی ذهنی برای ورود به دنیای کار را در مدرسه کسب کرده باشند تا بعد از پایان تحصیلات، با دانش و مهارت متناسب با رشته‌های تحصیلی تصمیم‌گیری نمایند (آلپون ساتریانو، ۲۰۲۰). بر این اساس، هدف از گنجاندن برنامه‌های راهنمایی و مشاوره در مدارس، آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زندگی پس از مدرسه و کسب رضایت در تحصیل و شغل است (نچوگیو، کیبارا و گیچوهی، ۲۰۱۹؛ مودولیا، ۲۰۱۷؛ نونگ، ۲۰۱۶). راهنمایی و مشاوره از حدود سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۹

1. Mann & Huddleston
2. Egbo
3. The European Centre for the Development of Vocational Training (CEDEFOP)
4. Council of the European Union (CEU)
5. Hooley & Rice
6. Karacan-Ozdemir
7. Academic/career readiness
8. Caballero, Walker & Fuller-tyszkiewicz
9. Alpon Satrianto
- 1 . Njogu, Kibaara & Gichohi 0
- 1 . Mudulia 1
- 1 . Nong 2

در ایالت بوستن آمریکا، با اقدامات فرانک پارسونز، ملقب به پدر راهنمایی، با هدف کمک به متقاضیان جویای شغل و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای دنیای کار آغاز شد. سپس در ادامه با کارهای بیرز، دیویس،^۲ الیور^۴ و تعدادی از پیشگامان جنبش «توسعه حرفه مشاوره مدرسه» گسترش یافت (نپول آپوکاجور،^۵ ۲۰۲۰). پیشینه فعالیت‌های راهنمایی و مشاوره در مدارس ایران به پایه‌گذاری برنامه راهنمایی جهت شناخت استعداد، علائق و راهنمایی دانش‌آموزان برای انتخاب رشته تحصیلی و اشتغال آینده آن‌ها، در آبان‌ماه ۱۳۴۳ برمی‌گردد (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۷). سپس با تصویب «طرح کلیات نظام آموزش و پرورش» در سال ۱۳۶۷، در اصل سی‌ودوم آن، مستقیماً به هدایت تحصیلی اشاره شده و منظور آن، هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان بر اساس استعداد، علاقه و کوشش دانش‌آموز و ظرفیت رشته‌های مختلف آموزشی برحسب نیاز مهارتی، فنی و علمی جامعه بود (صافی، ۱۳۹۴). بعد از تصویب «طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» در شورای عالی انقلاب فرهنگی، در سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱ و با آغاز اجرای نظام جدید آموزش متوسطه، وظایف راهنمایی (هدایت) تحصیلی و در کنار آن مشاوره‌سازی به اولین گروه از مشاوران دبیرستان محول شد. در این دوره، الگوی اول هدایت تحصیلی بر اساس چهار عامل؛ استعداد، علاقه (مربوط به دانش‌آموز)، نیاز و امکانات کشور (مربوط به جامعه) اجرا شد. این الگو بر اساس دستورالعمل ابلاغی وزارت آموزش و پرورش در سال اول متوسطه (دبیرستان) با تمرکز بر آزمون‌های هوش و استعداد، نظر معلم، مشاور، دانش‌آموز، والدین و عملکرد تحصیلی دانش‌آموز ابلاغ شده بود (زرافشان، ۱۳۹۵).

مطالعات صورت گرفته بر الگوی اول هدایت تحصیلی؛ عدم تجربه و تخصص کافی اغلب مشاوران (رجیلو، ۱۳۷۹)، عدم توجه دانش‌آموزان به اولویت‌بندی رشته‌ها و توصیه‌های مشاوران (حمیدی‌پور، ۱۳۷۹)، عدم معناداری ملاک‌ها به غیر از عملکرد تحصیلی (نویدی، ۱۳۷۸)، عدم آگاهی دانش‌آموزان از رشته‌های تحصیلی نظام جدید و

1. Frank Parson
2. Beers
3. Davis
4. Weaver
5. Ndoye Upoalkpajor

۶. بر اساس مصوبات جلسه شماره ۶۶۶؛ شورای عالی آموزش و پرورش، به تاریخ ۱۳۸۰/۸/۳

عدم هماهنگی هدایت با امکانات و نیازهای کشور (شفقتیان، ۱۳۷۶)، نبود فرصت کافی برای شناخت ویژگی‌های شخصیتی، عدم تجربه کافی مشاوران و آگاهی خانواده‌ها (ادریسی، ۱۳۷۶)، عدم دستیابی به اهداف تعیین شده (رخصت‌طلب، ۱۳۷۵) و عدم تأثیر راهنمایی‌ها و توصیه‌های مشاوران در انتخاب دانش‌آموزان را نشان داد.

در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵، با استقرار نظام ۶-۳-۳، اجرای برنامه جدید هدایت تحصیلی (الگوی دوم) آغاز شد. در چارچوب این نظام، اجرای برنامه جدید هدایت تحصیلی در همین ابتدای کار با مشکلات و موانعی مواجه شد تا جایی که موضوع هدایت تحصیلی در تابستان سال ۱۳۹۵ به بحثی داغ در رسانه‌های عمومی تبدیل گشت. نویدی (۱۳۹۷) معتقد است که، الگوی دوم هدایت تحصیلی از نظر اهداف، منابع، فرآیند، برون‌داد و ملاک‌ها برگرفته از همان الگوی قبلی است و کمکی در رفع مشکلات الگوی قبل نمی‌کند.

علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در الگوی دوم هدایت تحصیلی، برای در نظر گرفتن امکانات فردی و اجتماعی دانش‌آموزان، اما شواهد پژوهشی حاکی از عدم موفقیت این برنامه هدایت تحصیلی دارد. به‌طور مثال، احمدی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای، به رابطه‌ی معنادار هدایت تحصیلی نادرست و افت تحصیلی دانش‌آموزان، هم‌چنین عدم ارتباط مؤثر مشاور با دانش‌آموزان و عدم ارزیابی دقیق و صحیح از استعداد های آنان در فرآیند هدایت تحصیلی اشاره می‌کند و اقبالی (۱۳۹۳) تعیین رشته زودهنگام و مبتنی بر شناخت ناقص از خود، عدم تناسب سطح دشواری مواد درسی قبل و بعد از ورود به رشته، ناکارآمدی بانک اطلاعات تحصیلی و شغلی در مدارس و توزیع نامتوازن دانش‌آموزان مستعد در رشته‌های مختلف را از نقایص هدایت تحصیلی می‌داند. رضایی مدنی، کلانترهمزی و نعیمی (۱۳۹۸). در بررسی هدایت تحصیلی نوین از منظر مشاوران مدرسه، به چهار مقوله؛ نارسایی‌های فرآیند هدایت تحصیلی، مشکلات آزمون، آگاهی بخشی و ضرورت امکانات در اجرای بهینه اشاره داشتند. موسوی، پیرانی و مؤمنی (۱۳۹۹) با مطالعه آسیب‌شناسی فرآیند هدایت تحصیلی، به هشت مقوله دست یافتند که عبارت‌اند از؛ چالش‌های بنیادین انتخاب، باورهای خاص اولیا، برگه‌های نمادین، ملاک عینی انتخاب، بی‌ملاحظگی و رفع تکلیف، عملکرد مشاور از باور تا ناباوری، نارسایی الکترونیکی و القائات ناهمگون. شریفی، نیازآذری و جباری (۱۳۹۹) به‌منظور ارائه مدل هدایت تحصیلی

کارآمد به روش تحلیل عاملی به عوامل؛ استعدادیابی، عوامل قانونی، خط‌مشی‌های کارآمدی، ساختاری و مدیریتی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، دانش‌مداری و خانوادگی - اجتماعی را از خلأهای هدایت تحصیلی موجود دانسته و به ارائه الگویی مبتنی بر مؤلفه‌های به‌دست آمده، پرداختند.

دانش‌آموزان متوسطه دوم، با این سؤال که «کار من بعد مدرسه چیست؟» صدها انتخاب پیش‌روی خود دارند، آن‌ها باید تصمیم بگیرند که «آیا» و «کجا» باید تحصیلات بعد از متوسطه را دنبال کنند و در جستجوی چه مشاغلی باشند. بسیاری از این افراد، فاقد اطلاعات و ظرفیت لازم برای جهت‌دهی بهینه به گزینه‌های پیچیده تحصیلی و شغلی هستند (بهارگاوا، لوونستین و سنیدورا؛ ۲۰۱۷؛ هیلر؛ ۲۰۱۷؛ هاستینگ، نیلسون و زیمرمن؛ ۲۰۱۵؛ هاکسبی و آوری؛ ۲۰۱۳). آن‌ها باید به درک صحیحی از هویت شخصی، خصوصیات و توانایی‌های بالقوه خود برای ایجاد مسیرهای زندگی شغلی و شخصی رسیده باشند (نپول آپوکاجور، ۲۰۲۰).

برنامه راهنمایی در مدارس، فرآیند حرفه‌ای نظام‌مندی برای کمک به دانش‌آموزان است تا با درک بهتر نیازها، توانمندی‌ها و علائق خود، و هماهنگ‌سازی اهداف زندگی تحصیلی و شغلی با این ویژگی‌ها و حل تعارضات، به‌عنوان یک عضو مطلوب در جامعه نقش خود را ایفا نموده و در نهایت بهترین گزینه‌ها را از گزینه‌های موجود انتخاب کنند (دهامی و شارما؛ ۲۰۲۰). راهنمایی شغلی دانش‌آموزان، فعالیت‌هایی متشکل از تجربیات برنامه‌ریزی شده را با هدف؛ افزایش خودشناسی، ایجاد اعتمادبه‌نفس و خوش‌بینی، و در جهت شناسایی اهداف آینده تحصیلی و هویت شغلی دانش‌آموزان به انجام می‌رساند (رابرتسون؛ ۲۰۱۳؛ پیتان و آتیکو؛ ۲۰۱۷). اهداف و برنامه‌های راهنمایی تحصیلی/ شغلی، ارتقاء نگرش‌های اساسی فرد درباره تحصیلات و مشاغل، با رشد خودادراکی دانش‌آموز و ایجاد تصور واقعی از خودآگاهی حرفه‌ای است (کودرینسکیا و همکاران، ۲۰۲۰).

1. Bhargava, Loewenstein & Snyder
2. Heller
3. Hastings, Neilson & Zimmerman
4. Hoxby & Avery
5. Dhama & Sharma
6. Robertson
7. Pitan & Atiku
8. Kudrinskaia

جستجوگری و شناخت خود، دشوارتر از شناخت مشاغل و کسب اطلاعات در مورد محیط حرفه‌ای است. سطح بالایی از خودآگاهی، ادراک خودپنداره واقعی و فقدان باورهای ناکارآمد، باعث ادغام دانش خود و دانش شغلی شده، در نهایت به توسعه اهداف شخصی قابل دستیابی و تصمیم‌گیری صحیح شغلی می‌انجامد (نپول آپوکاجور، ۲۰۲۰؛ کاراکان اوزدمیر؛ ۲۰۱۹؛ ساندرز، پیترسون، سامپسون و ریداردون، ۲۰۰۰). به این دلیل، خودآگاهی حرفه‌ای یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های خودآگاهی انسان است و امروزه در تمام پژوهش‌های مرتبط با فعالیت‌های راهنمایی تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان یکی از موضوعات اصلی است (شیروکوا؛ ۲۰۱۹؛ میتین^۳ و همکاران، ۲۰۱۷؛ نوساکو و نوساکوا؛ ۲۰۱۶a، ۲۰۱۶b، ۲۰۱۶c؛ پریازنیکوا؛ ۲۰۰۴، زیر؛ ۲۰۰۲).

اکتشاف شغلی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های آمادگی تحصیلی / شغلی دانش‌آموزان، در دوران نوجوانی از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا خودکاوی و کشف گزینه‌های بالقوه شغلی در این دوره رشدی اتفاق می‌افتد (ظفر؛ ۲۰۱۹). نوجوانی دوره گذار از کودکی به جوانی است که نحوه مواجهه نوجوان با چالش‌ها، در تعیین هویت و نقش‌پذیری او مهم است (دهامی و شارما، ۲۰۲۰). تکالیف اصلی نوجوان شامل؛ ایجاد هویت و دنبال کردن استقلال، کسب پذیرش همسالان، ارزیابی صلاحیت‌ها و راه‌های دستیابی به موفقیت و لزوم تعهد به اهداف، فعالیت‌ها و باورها است (بیگر؛ ۲۰۱۷) که لازم است در برنامه‌های راهنمایی تحصیلی و شغلی مدنظر قرار گیرد.

در آمادگی تحصیلی / شغلی، لزوم مهارت تصمیم‌گیری نوجوانان برای پیروی از یک مسیر تحصیلی / شغلی متأثر از علائق شخصی، والدین، معلمان، رسانه‌های اجتماعی و مواجهه با جامعه است (ترودی اسپین؛ ۲۰۱۵) رضایت‌مندی از انتخاب شغل و ایجاد تعهد شغلی قوی و سازگار، جنبه مهمی از رشد هویت بوده و زندگی حرفه‌ای هنگامی

-
1. Karacan-Ozdemir
 2. Shirokova
 3. Mitin
 4. Nosakov & Nosakova
 5. Pryazhnikova
 6. Zeer
 7. Zafar
 8. Yeager
 9. Trudi Aspden

رضایت‌بخش و سازگار است که شخص، در انطباق ویژگی‌های هویتی مطالعه شده خود با گزینه انتخابی موفق باشد (ظفر، ۲۰۱۹). امروزه راهنمایی تحصیلی / شغلی، بر تحصیل و شغل به‌عنوان تکالیف زندگی هر فرد می‌نگرد. این تکالیف گسترش یافته و بر تمام نقش‌های یک انسان در سراسر عمر تأثیر می‌گذارند (نپول‌آپوکاجور، ۲۰۲۰). آمادگی برای انجام این تکالیف، فراتر از ارائه اطلاعات ساده، نیازمند کسب مهارت‌های برنامه‌ریزی در زندگی است (لی، ۲۰۱۷).

آمادگی تحصیلی / شغلی به رفع ابهام، اضطراب و بلا تکلیفی کمک کرده و رضایت از زندگی را به همراه می‌آورد که نتیجه آن فراهم کردن صلاحیت‌های مورد نیاز جامعه و لذت بردن از کاری است که فرد انجام می‌دهد (ناچمیس و والمسلی، ۲۰۱۵). انجام صحیح راهنمایی تحصیلی / شغلی دانش‌آموزان، نیازمند برنامه‌ریزی آگاهانه جهت دست‌یافتن به فعالیت تحصیلی / شغلی در آینده متناسب با علائق فردی، وضعیت سلامتی، مشخصات فردی و تمایلات هر فرد و الزامات مشاغل و بازار کار است. برای این منظور لازم است همه دانش‌آموزان ادراک واقع‌بینانه از گزینه‌های تحصیلی / شغلی کسب نموده و این فعالیت‌ها متناسب با سن دانش‌آموز در تمام دوره‌های تحصیلی انجام گیرد (سینیاگینا و آرتمونوا، ۲۰۱۹؛ رومنوا و همکاران، ۲۰۱۹؛ بوتاکووا و همکاران، ۲۰۲۰)؛ بنابراین برنامه راهنمایی تحصیلی / شغلی در مدارس باید زمینه‌های مختلفی هم‌چون؛ شناخت ویژگی‌ها و تحلیل و پیش‌بینی عملکرد دانش‌آموز، ارزیابی شایستگی‌های پایه‌ای و ارزیابی تحصیلی بر مبنای صفات و شخصیت شخص را در نظر بگیرد (سوپریانو، ویدیاتی، عبدالله و یوستیاننا، ۲۰۱۹).

از سویی، آمادگی تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان محدود به ارائه اطلاعات شده است در صورتی که دانش‌آموزان نیازمند ارتقاء راهبردهای برنامه‌ریزی شغلی و طراحی مسیرهای تحصیلی با توجه به نیازهای رشدی خود هستند. (نپول‌آپوکاجور، ۲۰۲۰). موفقیت در هر یک از زمینه‌های تحصیلی و شغلی به حضور مشاوران مدرسه وابسته است. با توجه به گستردگی مهارت‌های مورد نیاز برای برتری در وظایف و تکالیف مختلف دانش‌آموزان

-
1. Lee
 2. Nachmias & Walmsley
 3. Sinyagina & Artamonova
 4. Romanova
 5. Butakova
 6. Supriyanto, Widiaty, Abdullah & Ystiana

در مدرسه، دانشگاه و شغل، حضور مشاوران در مدرسه الزامی است. در مدارس ایالات متحده آمریکا، مشاوران از نظر کمی، دومین گروه مریبان هستند و مدارس دولتی سالانه میلیاردها دلار برای آنها هزینه می‌کنند. آنچه مسلم است این که، تغییرات اندک در اثربخشی یک مشاور می‌تواند بسیاری از دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهد و در برنامه‌های آمادگی تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان مؤثر باشد (مالهرن؛ ۲۰۲۰). مشاوران می‌توانند به دانش‌آموزان در زمینه ورود به دانشگاه‌ها یا شرکت در برنامه‌های شغلی کمک کنند تا احتمال موفقیت در فرآیند انتقال آنها به مرحله بعدی زندگی افزایش یابد (بتینگر، برای لانگ، آروپولوس و سانبونماتوسا؛ ۲۰۱۲). تحقیقات نشان می‌دهد که این نوع کمک‌های تخصصی مستقیم می‌تواند تأثیرات بیشتری نسبت به ارائه اطلاعات ساده داشته باشد (بیرد؛ ۲۰۱۹؛ گورانتر؛ ۲۰۱۹؛ بتینگر و همکاران، ۲۰۱۲).

تحقیقات در دو دهه گذشته، ناسازگاری در ارائه خدمات راهنمایی مدارس با نیازهای دانش‌آموز و جامعه را مورد تأکید قرار داده (هیرن، جری و مارتین؛ ۲۰۱۶) و فقدان این خدمات را یکی از عوامل اصلی کاهش عملکرد تحصیلی، عدم نظم و هدف‌مندی در دانش‌آموزان می‌داند. علاوه بر این، فقدان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مشخص در برنامه‌ها و خدمات راهنمایی و مشاوره از سوی سازمان‌های بالادستی نظام آموزشی و هم‌چنین نگاه فردمحور در مقابل نگاه سیستم‌محوری را می‌توان از دیگر مشکلات پیش‌روی خدمات راهنمایی و مشاوره در مدارس دانست (آجووی، سیماتوا؛ ۲۰۱۰). اما در خصوص ارائه برنامه‌های راهنمایی تحصیلی/ شغلی، مطالعات مختلف حاکی از اثرگذاری این برنامه‌ها در موفقیت مدرسه و پسامدرسه دانش‌آموزان است. افرادی که در دوران تحصیل، در زمینه رفتارهای خودتنظیمی، برنامه‌ریزی شغلی، اکتشاف و جستجوگری شغلی، خودکارآمدی و تصمیم‌گیری شغلی توانمند شده‌اند، دارای موفقیت

-
1. Mulhern
 2. ~~B~~tinger, Terry Long, Oreopoulos & Sanbonmatsu
 3. Bird
 4. Gurantz
 5. Hearne, Geary & Martin
 6. Ajowi, Simatwa

در شغل خود شده و سازگاری بالایی را از خود نشان داده‌اند (رودف، لایوین و زاخرا، ۲۰۱۷).

مطالعه مالهرن (۲۰۲۰) در خصوص نقش مشاوران مدرسه نشان داد که، ارائه اطلاعات و کمک مستقیم مشاوران به دانش‌آموزان در خصوص تحصیل و شغل، بر ایجاد فرصت‌ها و پیشرفت تحصیلی / شغلی دانش‌آموزان مؤثر است. کودرینسکیا و همکاران (۲۰۲۰) با بررسی سطح هدفمندی و کیفیت فعالیت‌های راهنمایی تحصیلی و شغلی در مدارس روسیه و با نظرسنجی اجتماعی از ۱۲۰ نفر دانش‌آموز کلاس‌های هشتم تا یازدهم به این نتیجه رسیدند که؛ بازدیدها مشارکتی، کلاس‌های بازی‌محور، فعالیت‌های تمرینی و استفاده از فناوری‌های جدید در آگاهی بخشی تحصیلی / شغلی دانش‌آموزان مؤثر است. هم‌چنین آن‌ها علاقه‌مند به انجام فعالیت‌های هدایت شغلی در خارج از مدرسه بوده و درخواست داشتند این رویدادها به روش عملی و تعاملی سازمان‌دهی شوند.

با توجه به تحقیقات مختلف، دانش‌آموزان نیاز دارند به‌طور صحیح در دوران مدرسه به آینده تحصیلی / شغلی خود هدایت شوند، آن‌ها سردرگمی و مشکلات زیادی در تصمیم‌گیری دارند، به دلیل عدم وجود اطلاعات و عدم کسب مهارت‌های سازگاری قبل از تصمیم‌گیری برای انتخاب رشته و شغل، سازگاری و رضایت تحصیلی / شغلی آن‌ها در آینده کامل محقق نمی‌شود (کاراکان اوزدمیر، ۲۰۱۹). مشاوران مدرسه با تسهیل فرآیند مهارت‌آموزی و شناخت توانایی‌ها و علائق دانش‌آموزان، از سردرگمی آن‌ها کاسته و در تصمیم‌گیری و انتخاب گزینه‌های تحصیلی / شغلی مناسب، مؤثرند (کودرینسکیا و همکاران، ۲۰۲۰). ادراک مشاوران از تجارب عملی خود، بر ایفای نقش و عملکرد حرفه‌ای آن‌ها مؤثر است (برگرفته از؛ کارپ، ۲۰۱۱) و زمانی که محقق به دنبال درک بیشتری از یک پدیده خاص است باید آن را از تجربه واقعی افراد درک کند (کرسول، ۲۰۱۲). از سویی دریافت ادراک عمیق تجارب واقعی از یک پدیده به توسعه نظری و جستجوی بهترین عملکرد ممکن خواهد انجامید (هایز و ساین، ۲۰۱۲). از این‌رو، پژوهش

-
1. Rudolph, Lavigne & Zacher
 2. Kudrinskaia
 3. Karp
 4. Creswell
 5. Hays & Singh

حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که، «کیفیت هدایت تحصیلی دانش‌آموزان مبتنی بر تجربه زیسته مشاوران مدرسه چگونه است؟» تا ضمن درک بهتر کیفیت انجام این برنامه در مدارس، فهم جدید و مبتنی بر واقعیت موجود برای تصمیم‌گیران و مجریان این برنامه فراهم گردد.

روش

پژوهش کیفی حاضر با روش پدیدارشناسی، تجارب زیسته مشاوران مدرسه از هدایت تحصیلی را مطالعه نمود.

شرکت‌کنندگان در پژوهش، مشاوران مدارس شهر تهران با حداقل ۵ سابقه انجام هدایت تحصیلی و دارای حداقل مدرک کارشناسی مشاوره یا روان‌شناسی، به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. انتخاب افراد و انجام مصاحبه‌ها تا رسیدن به مرحله اشباع داده‌ها با ۱۰ نفر از مشاوران مدرسه ادامه یافت. در شروع مصاحبه‌ها، ابتدا مصاحبه‌ای نیمه ساختاریافته با شرکت‌کنندگان انجام پذیرفته و محتوای مصاحبه‌ها به صورت مکتوب پیاده‌سازی شد. هر مصاحبه در بازه زمانی ۶۰ الی ۸۰ دقیقه به طول انجامید. تمامی مصاحبه‌ها با کسب اجازه از شرکت‌کنندگان ضبط و برای محفوظ ماندن مشخصات افراد، نام مستعار با شماره اعداد در نظر گرفته شد.

سؤالات مصاحبه نیمه‌ساختار یافته، بر اساس تجارب محققان از پدیده مورد مطالعه طراحی شد اما در طول مصاحبه به صورت اکتشافی سؤالات بیشتری طرح و تلاش برای رسیدن به اشباع در تجارب افراد، درک معانی پنهان و پرهیز از پاسخ‌های کوتاه ادامه می‌یافت. سؤالات محوری مصاحبه‌ها به این شرح بود؛ ۱- رسالت برنامه هدایت تحصیلی در مدارس چیست؟ ۲- و هدایت تحصیلی موجود این رسالت را دنبال می‌کند؟ ۳- شما فرآیند هدایت تحصیلی موجود را چگونه می‌بینید؟ ۴- چه قسمت‌هایی ممکن است نیاز به بازبینی، اصلاح یا حذف داشته باشند؟ ۵- چه مؤلفه‌هایی در هدایت تحصیلی نادیده گرفته شده‌اند؟ ۶- هدایت تحصیلی می‌تواند به دانش‌آموزانی که قصد ورود به دانشگاه ندارند کمک کند؟

کرسول (۲۰۱۲) بیان می‌دارد، باوجود این‌که افراد مختلف از یک پدیده، معانی متفاوتی را برداشت می‌کنند اما ارتباط عمیق با تجارب افراد، به شناسایی اشتراکات و

کشف مضامین می‌انجامد. مبنای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و کشف مضامین در مطالعه حاضر، روش چندمرحله‌ای کلایزی^۱، برگرفته از؛ مورو، روریگوژ و کینگ^۲ (۲۰۱۵) و ابوشا^۳ (۲۰۱۲) بود. به این صورت که هر متن مکتوب چند بار مطالعه شد تا ادراک کلی از آن حاصل گردد و سپس جملات مهم نشانه‌گذاری و استخراج شد. تلاش برای معانی نهفته در جملات مهم برای شکل‌دهی به معانی صورت پذیرفت. معانی به دست آمده در خوشه‌هایی از مقولات دسته‌بندی شد. برای تمامی متون مصاحبه‌ها، مجدد معانی مقوله‌بندی شده به متن اولیه ارجاع و ساختار جملات مورد بررسی قرار گرفت. مقولاتی که دارای تناقض بودند کنار گذاشته شده و بعد از اطمینان محققان نسبت به اشباع مقولات فرعی، مرحله تلفیق مقولات انجام گرفت. به این ترتیب، با درک معنای اصلی، از مقولات فرعی دارای معانی مشترک و در یک خوشه، مقولات اصلی به دست آمد.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت‌شناسی نمونه مورد مطالعه، شامل ۱۰ نفر از مشاوران مدارس شهر تهران که دارای ملاک‌های ورودی پژوهش بودند، به شرح زیر است:

جدول ۱. توزیع فراوانی افراد نمونه بر اساس جنسیت

متغیر	فراوانی	درصد
مرد	۶	۶۰٪
زن	۴	۴۰٪
جمع کل	۱۰	۱۰۰٪

مطابق اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۱، ۶۰٪ افراد گروه نمونه مرد و ۴۰٪ زن

هستند.

1. Colaizzi
2. Morrow, Rodriguez & King
3. Abu Shosha

جدول ۲. مشخصات تحصیلی / شغلی گروه نمونه

کد	جایگاه شغلی	مدرک و رشته تحصیلی	سابقه خدمت	سابقه مشاوره در دوره متوسطه
۱	مشاور مدرسه	فوق لیسانس روان شناسی تربیتی	۱۳	۷
۲	مشاور مدرسه	فوق لیسانس مشاوره مدرسه	۲۰	۸
۳	مشاور مدرسه	فوق لیسانس مشاوره مدرسه	۱۷	۱۲
۴	مشاور مدرسه	لیسانس مشاوره	۱۰	۷
۵	مشاور مدرسه	فوق لیسانس مشاور شغلی	۱۴	۶
۶	مشاور مدرسه	فوق لیسانس روان شناسی تربیتی	۲۴	۱۶
۷	مشاور مدرسه	لیسانس روان شناسی عمومی	۱۵	۸
۸	مشاور مدرسه	فوق لیسانس راهنمایی و مشاوره	۲۱	۱۵
۹	مشاور مدرسه	فوق لیسانس مشاوره مدرسه	۱۸	۱۲
۱۰	مشاور مدرسه	فوق لیسانس مشاوره مدرسه	۱۴	۱۱

جدول ۳. مقولات اصلی و فرعی به دست آمده از تحلیل مضامین عبارات

مقولات اصلی	مقولات فرعی	فراوانی
ضرورت‌ها و الزامات برنامه هدایت تحصیلی		
۱) ضرورت شناخت مشاغل در دوره‌های تحصیلی	- توسعه شناخت در مشاغل متنوع	۲
	- شناخت فرآیندی مشاغل در دوره‌های تحصیلی	۳
۲) نیل به خودآگاهی در طول زندگی	- فرآیندی دیدن خودآگاهی	۲
۳) ضرورت تمرکز بر تکالیف رشدی برای دست‌یابی به هدایت تحصیلی مطلوب	- اجرای فرآیندی هدایت تحصیلی از دوره ابتدایی	۵
	- هدایت تحصیلی مبتنی بر تکالیف رشدی فرآیندی	۴
۴) بررسی مشکلات روان‌شناختی برای جلوگیری از مداخله بازدارنده در هدایت تحصیلی	- شناخت ابعاد رشدی دانش‌آموزان در عین فردیت آنان	۲
	- عدم ثبات نگرش و علاقه در دوره نوجوانی اول	۲
	- ضرورت غربال‌گری روان‌شناختی قبل و حین هدایت	۴

۳	۵) کارآمدی هدایت تحصیلی بر اساس نیازسنجی - ضرورت نیازسنجی از دانش آموزان و مشاوران	
۵	۶) توجه به فرآیندی بودن هدایت تحصیلی از - پیگیری آینده‌نگر هدایت تحصیلی	
۲	مدرسه تا دوره پسامدرسه - ضرورت تربیت آینده‌نگر	
۱	۷) سیر رشدی فرآیند هدایت تحصیلی از هدف تا اجرا - رعایت توالی مراحل هدایت تحصیلی	
۲	۸) عدم تمرکز صرف بر رشته دانشگاهی برای جایگزینی شغلی - انتخاب شغل بدون تحصیلات دانشگاهی	
شایستگی‌های مورد نیاز دانش آموزان		
۳	۱) تصمیم‌گیری شغلی آگاهانه - خودآگاهی شغلی واقع‌بینانه	
۲	- انتخاب واقع‌بینانه	
۱	- تصمیم‌گیری شغلی مبتنی بر یادگیری مشاهده‌ای	
۴	- ضرورت خودآگاهی شخصی	
۳	۲) لزوم مهارت‌های متمرکز بر شناخت و ادراک خود برای موفقیت در فرآیند هدایت تحصیلی - خودادراکی	
۲	- توانایی تفکر برای بازسازی اشتباهات	
۲	- درک مدیریت زمان	
۵	۳) به کارگیری مهارت‌های انتخاب مسئولانه در مواجهه با گزینه - آمادگی برای تصمیم‌گیری مسئولانه	
۵	- به کارگیری مهارت حل مسئله به تناسب سن رشدی	
۵	- مهارت استقلال فردی	
۲	۴) مهارت‌ها اساسی اجتماعی برای انتخاب مسئولانه - آگاهی فرهنگی	
۴	- مهارت‌های ارتباطی	
۲	- مهارت‌های جرأت‌ورزی	
۲	- رشد مهارت کاوشگری	
۴	۵) امکان درک رابطه دانش با زندگی واقعی - مهارت کاربردی سازی آموخته‌ها	
۲	۶) یادگیری تعادل کار-خانواده در مسیر رشد شغلی مدرسه - تعادل جویی در محیط شغلی	
۱	- توانایی تمایز بخشی در کار و خانواده	
عوامل مرتبط با مدرسه و خانواده		
۷	۱) حمایت مشاوران از آمادگی دانش آموزان در شناخت خود و رشته‌ها - ضرورت آگاهی بخشی در فرآیند هدایت تحصیلی	
۲	- کمک به دانش آموز برای نیل به خودرهبری	
۳	- تسهیل‌گری مشاوران در خودآگاهی دانش آموزان	

۳	- آگاهی بخشی برای انطباق ویژگی‌های درونی با واقعیت جامعه	
۳	- نقش حرفه‌ای بودن مشاور در فرایند هدایت تحصیلی	۲) نقش کارآمدی مشاوران مدرسه در هدایت تحصیلی
۵	- هدایت‌گری مشاور مبتنی بر فرهنگ بومی	
۲	- تصمیمات ناکارآمد متأثر از روابط تنش‌زای والد-فرزند	
۲	- الگوپذیری از والدین	۳) نقش ویژگی‌های فرهنگی، تربیتی موقعیتی خانواده در انتخاب‌گری فرآیند هدایت تحصیلی
۴	- تأثیر ارزش‌های خانواده در انتخاب	
۱	- تأثیر شرایط اقتصادی خانواده در انتخاب	
۳	- اجرای برنامه‌های مهارت‌افزایی توسط معلم	۴) تأثیر‌گذاری مربیان بر فراگیری دانش و مهارت لازم برای هدایت تحصیلی
۳	- آگاهی بخشی رشته‌های تحصیلی توسط مربیان	
۲	- ضرورت اعتباربخشی به دروس و مدارک مهارتی	۵) ارزش‌گذاری دروس و مدرک تحصیلی مهارتی
چالش‌های هدایت تحصیلی موجود		
۲	- لزوم هماهنگی سازمان‌های آموزشی و اجتماعی در انتخاب رشته	۱) ناهماهنگی اهداف سازمانی با الزامات دانش‌آموز در انتخاب رشته
۲	- ناهماهنگی اهداف مدرسه و نهاد‌های برون‌مدرسه‌ای با الزامات دانش‌آموز	
۴	- ابهام در فهم سؤالات آزمون‌های هدایت تحصیلی	۲) ناکارآمدی آزمون‌های فعلی هدایت تحصیلی در کمک به شناسایی دانش‌آموزان و ضرورت بازنگری آن‌ها
۱	- لزوم بازنگری در سؤالات آزمون‌ها	
۲	- ناکارآمدی آزمون‌های فعلی در شناخت دانش‌آموزان	
۷	- اولویت معیارهای کمی بر کیفیت‌های رشدی و فردی	۳) تحریف معنای موفقیت تحصیلی با تمرکز بر نمره‌محوری و غفلت از مهارت‌های اساسی رشد شخصی و اجتماعی
۵	- بی‌توجهی به ظرفیت‌های فردی با انحصار موفقیت در نمره	
۴	- ناهمخوانی انتخاب‌ها با شرایط واقعی رشته‌ها	۴) بی‌انگیزگی در شناخت رشته‌ها و مشاغل به واسطه‌ی عدم همخوانی توزیع رشته‌های تحصیلی با نیازهای جامعه
۳	- بی‌انگیزگی در کسب آگاهی برای انتخاب رشته	
۲	- محدودیت انتخاب به دلیل عدم توزیع نیروی انسانی	
۲	- عدم تمرکز بر هدایت تحصیلی به دلیل	۵) عدم فرصت کافی مشاوران در مهارت‌آموزی

مطابق جدول شماره «۳»؛ از مجموع ۱۶۰ عبارت شناسایی شده در مصاحبه با مشاوران مدرسه، که دارای معانی متناسب با هدایت تحصیلی بودند، ۵۴ مقوله فرعی شکل‌دهی شد. مقولات فرعی برحسب اشتراکات در معانی و اهداف، به ۲۴ مقوله اصلی دسته‌بندی شده که ۴ بخش اصلی تحت عناوین؛ ضرورت‌ها و الزامات برنامه هدایت تحصیلی، شایستگی‌های مورد نیاز دانش‌آموزان، عوامل مرتبط با مدرسه و خانواده، و چالش‌های هدایت تحصیلی موجود، مقولات اصلی را در خود جای داده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

بخش اول یافته‌ها به «ضرورت‌ها و الزامات برنامه هدایت تحصیلی» اشاره دارد که ۸ مقوله اصلی؛ ۱- ضرورت شناخت مشاغل در دوره‌های تحصیلی، ۲- نیل به خودآگاهی در طول زندگی، ۳- ضرورت تمرکز بر تکالیف رشدی برای دستیابی به هدایت تحصیلی مطلوب، ۴- بررسی مشکلات روان‌شناختی برای جلوگیری از مداخله بازدارنده در هدایت تحصیلی، ۵- کارآمدی هدایت تحصیلی بر اساس نیازسنجی، ۶- توجه به فرآیندی بودن هدایت تحصیلی از مدرسه تا دوره پسامدرسه، ۷- سیر رشدی فرآیند هدایت تحصیلی از هدف تا اجرا و ۸- عدم تمرکز صرف بر رشته دانشگاهی برای جایگزینی شغلی را در خود جای داده است. این مقولات ناظر به مبانی و رسالت‌های یک برنامه هدایت تحصیلی صحیح می‌باشند. بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به مقولات اصلی ۳، ۶، ۴ و ۱ است که بر ضرورت تمرکز بر تکالیف رشدی، فرآیندی بودن از مدرسه تا پسامدرسه، تأثیر بازدارندگی مشکلات روان‌شناختی و شناخت مشاغل تأکید دارند. بیشترین فراوانی در مقولات فرعی به اجرای فرآیندی هدایت تحصیلی از دوره ابتدایی، پیگیری آینده‌نگر هدایت تحصیلی، هدایت تحصیلی مبتنی بر تکالیف رشدی فرآیندی و ضرورت غربال‌گری روان‌شناختی قبل و حین هدایت تحصیلی اشاره دارند.

در خصوص لزوم فرآیندی بودن و شروع هدایت تحصیلی از دوره ابتدایی، نتایج به‌دست‌آمده با پژوهش‌های ادیسی (۱۳۷۶) که نبود فرصت کافی برای شناخت ویژگی‌های دانش‌آموزان در یک‌سال و اقبالی (۱۳۹۳) که بر مشکلات تعیین رشته تحصیلی/ شغلی به‌واسطه شناخت ناقص خود تأکید داشتند، هم‌سو است. در خصوص عدم

کفایت یک‌سال برای هدایت تحصیلی، یکی از مشاوران مدرسه اظهار نمود: «متأسفانه برای شناخت مشاغل، برنامه منسجمی وجود ندارد. این چیزی نیست که بخواهیم دانش‌آموز رو در پایه نهم که می‌خواد انتخاب رشته کنه، یک دفعه در معرض حجمی از اطلاعات قرار بدیم. به نظرم آشنایی با مشاغل و ضرورت اون‌ها لازمه از ابتدایی به شکل ملموس‌تر شروع بشه و به تدریج در دوره‌های بعد کامل بشه» (کد ۹). علاوه بر لزوم توجه به تمام دوره‌های تحصیلی برای شناخت صحیح، اگبو (۲۰۱۵) بر اهمیت توجه به نیازهای دانش‌آموزان دوره ابتدایی در برنامه‌های راهنمایی مدارس تأکید داشته زیرا در این دوره رشدی، کودک در حال تجربه انواع سبک زندگی و الگوهای رفتاری است که بعدها آن را به بزرگسالی خود انتقال می‌دهد. به عبارتی پایه و اساس شخصیت یک کودک در این دوران شکل می‌گیرد و موفقیت یا شکست برنامه‌های مدارس به نحوه گذراندن دوره ابتدایی وابسته است. این موضوع در مصاحبه یکی از مشاوران این‌طور بیان شد: «اساس هدایت تحصیلی از دوره ابتدایی گذاشته می‌شه. درسته که در این دوره به‌طورمستقیم به موضوع هدایت تحصیلی نمی‌پردازیم اما ملزومات و ضروریات این فرآیند مثل مجموعه‌ای از مهارت‌ها و یا آشنا کردن بچه‌ها با مشاغل متنوع و ضرورت شغل‌ها و همین‌طور ایجاد و یا آگاهی از رغبت‌ها در این دوره، به شکل رسمی آغاز می‌شه و قاعدتاً بتدریج در دوره‌های بعدی تحصیلی با دانش‌آموز رشد می‌کنه» (کد ۱۰)

آینده‌نگری و توجه به تکالیف رشدی، با پژوهش نیول آپوکاجور (۲۰۲۰) هم‌سو است که محدود کردن راهنمایی تحصیلی / شغلی به یک رشته تحصیل یا شغل و عدم توجه به لزوم توانایی شخص برای تصمیم‌گیری در سایر نقش‌های محول‌شده در دوره‌های رشدی را از مشکلات مدارس برمی‌شمارد. این محقق تأکید می‌کند که دانش‌آموزان نیازمند کسب راهبردهای برنامه‌ریزی تحصیلی / شغلی و طراحی مسیرهای زندگی خود با توجه به نیازهای رشدی هستند. در این پژوهش نیز، یکی از مشاوران اظهار داشت: «انتخاب رشته توسط یک دانش‌آموز نمی‌تونه بدون توجه به ویژگی‌ها و کارکردهای رشدی او مثل، فکر کردن و یا مهارت‌های ارتباطی صورت بگیره. طبیعی است که این کارکردهای رشدی در دوره‌های سنی مختلف، مسیر رشدی خود رو طی می‌کنند که در انتخاب و تصمیم‌گیری دانش‌آموز در فرآیند هدایت تحصیلی، می‌تونند تأثیر داشته باشند» (کد ۶).

تحقیقات دیگری (یوکسل ساین؛ ۲۰۱۲؛ تورونگلو و جنک تانیریم؛ ۲۰۱۵) بر ضرورت تبیین مؤلفه‌های رشدی دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی مختلف برای ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره در مدارس تأکید دارند چرا که نقش‌ها، انتظارات و خصیصه‌های رشدی / تحولی دانش‌آموزان پیش دبستانی، ابتدایی و متوسطه با یکدیگر متفاوت است. آستوتی^۳ (۲۰۱۹) معتقد است؛ به‌منظور تسهیل شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های دانش‌آموزان با تأکید بر انتظارات شخصی، اجتماعی، تحصیلی و شغلی آنان، لازم است برنامه‌های راهنمایی و مشاوره در مدارس امروزی بر اساس وظایف رشدی تدوین شود. هم‌چنین خواجه‌علی^۴ (۲۰۱۶) بر لزوم تدوین راهنمایی تحصیلی / شغلی دانش‌آموزان، مبتنی بر صلاحیت‌های رشد تحصیلی، شغلی، شخصی، عاطفی، و اجتماعی متناسب با سن و تکالیف رشدی هر دوره اشاره دارد تا با جلوگیری از اتلاف منابع، تناسب نیروی انسانی با اهداف برنامه‌ها، کارآمدی برنامه‌های راهنمایی و مشاوره، بتوان در راستای رشد و ارتقای دانش‌آموزان در جنبه‌های مختلف زندگی برنامه‌هایی را طراحی و اجرا نمود. در بیان یکی از مشاوران این عبارت بود که؛ «تمام کسانی که مسئول هدایت تحصیلی هستند باید اشراف کامل به حیطه‌های موجود درباره انسان و فرد داشته باشند. هر دانش‌آموز یک بعد ندارد همان‌جور که من مشاور تک بعدی نیستم و البته نقاط ضعف و قوت خودمان را داریم. من ممکنه در مشاوره موفق باشم اما در حیطه دیگه ممکنه موفق نباشم. پس شناخت ابعاد رشدی هر دانش‌آموز برای مجری هدایت تحصیلی باید مهم باشه» (کد ۱)

ضرورت غربالگری روان‌شناختی دانش‌آموزان در یافته‌ها با پژوهش‌های مختلف هماهنگ است. اگانسانمیک^۵ (۲۰۱۱) و بومان^۶ (۲۰۰۸) مشکلات روان‌شناختی دانش‌آموزان در مدرسه را علت شکست برنامه‌های راهنمایی و عدم موفقیت دانش‌آموزان می‌دانند. مشکلاتی از قبیل مدرسه‌گریزی، تأخیر، عادات مطالعه ضعیف (اگبو، ۲۰۱۵؛ آنگبوگو، انوکدو، انیامین، آنیچیبولا و آمیژولیکا؛ ۲۰۱۳)، قلدری، طرد همسالان،

-
1. Yuksel-Sahin
 2. Torunoğlu & Gençtanırım
 3. Astuti
 4. Khajeali
 5. Ogunsanmic
 6. Bauman
 7. Anagbogu, Nwokdo, Anyamene, Anyachebelu and Umezulike

رؤیای پردازی، سوءاستفاده جنسی و شکست در نمرات درسی (سیموفورسا، لونها، ۲۰۱۷) منجر به شکست تحصیلی و ناکامی در حال و آینده دانش‌آموزان می‌شوند. بلر، جونز و سیمپسون^۲ (۲۰۱۰) در پژوهشی دریافته‌اند، ۱۲٪ کودکانی که به مدرسه می‌روند، با مسئله عاطفی/هیجانی مواجه‌اند و چنانچه در برنامه‌های راهنمایی مشاوران مدرسه توجه نشوند نتایجی حاصل نمی‌کنند. مطالعات وولفولک^۳ (۲۰۱۰) موفقیت تحصیلی/ شغلی دانش‌آموزان را متأثر از استرس بالای آن‌ها مورد توجه قرار داده و بیان می‌دارد، اگر اضطراب و استرس دانش‌آموزان کاهش نیابد نتایجی بسیار پایین‌تر از توانایی‌های واقعی خود در مدرسه و جامعه کسب می‌کنند. اهمیت توجه به مشکلات روان‌شناختی در بیان مشاوران این چنین مطرح شد: «اگر دانش‌آموز اختلال یادگیری یا هر نوع اختلال روانی دارد باید در ابتدایی شناسایی بشه و ما به این نتیجه برسیم که این دانش‌آموز با این ویژگی‌ها باید در چه رشته‌هایی وارد بشه که او را به موفقیت برسونه، مثلاً دانش‌آموزی که دارای اختلال اوتیسمه و شناسایی نشده وارد رشته هنر می‌شه و طبیعتاً در آینده مشکل پیدا می‌کنه» (کد ۸). «مشکلاتی مثل؛ اضطراب جدایی و مشکلات عزت نفس در ابتدایی زیاده که با همکاری بنیادین معلم، مشاور و خانواده می‌شه رفع کرد، که بعدها مسیر تحصیل دانش‌آموز در آینده را مختل نکنه» (کد ۷).

توجه برنامه هدایت تحصیلی به ضرورت شناخت مشاغل با پژوهش اقبالی (۱۳۹۳) مبنی بر ناکارآمدی بانک اطلاعات تحصیلی/ شغلی در مدارس و مطالعه رضایی مدنی و همکاران (۱۳۹۸) با تأکید بر لزوم تاسیس بانک اطلاعاتی هم‌سو است. کودرینسکیا و همکاران (۲۰۲۰) با بررسی سطح هدفمندی و کیفیت فعالیت‌های هدایت تحصیلی و شغلی در مدارس روسیه، وقتی از دانش‌آموزان درباره چشم‌انداز برنامه‌ریزی آینده، با این سؤال که دوست دارید در آیند چه کاره شوید؟ سؤال شد، تنها ۸٪ آن‌ها پاسخ مثبت دادند و مشاغل انتخاب شده را نشان دادند. ۸۲٪ باقیمانده یا پاسخ دادن را دشوار می‌دانستند، یا طیف وسیعی از مشاغل را نشان می‌دادند و یا پاسخ‌شان منفی بود. منطبق با این یافته، در این پژوهش نیز در گفته یکی از مشاوران آمده بود: «یکی از کارهایی که لازمه ما مشاورین انجام بدیم اینه که مسیر و راه کسب اطلاعات برای شناخت رشته‌های تحصیلی و مشاغلی

1. Simuforosa & Loveness
2. Blair, Jones & Simpson
3. Woolfolk

که به تبع اون رشته‌ها می‌تونه به دست بیاد رو به دانش‌آموزان بگیریم و به اون‌ها کمک کنیم که بتونند رشته‌های تحصیلی رو چه در دبیرستان و چه بعد از اون بشناسند» (کد ۴)؛ بنابراین با توجه به پژوهش‌های مختلف، دانش‌آموزان نیاز دارند در دوران مدرسه نسبت به آینده شغلی خود تصمیم‌گیری نمایند که توسعه شناخت دانش‌آموزان از مشاغل برای تحقق این امر لازم است.

بخش دوم یافته‌ها به «شایستگی‌های مورد نیاز دانش‌آموزان» پرداخته که شامل ۶ مقوله اصلی؛ ۱- تصمیم‌گیری شغلی آگاهانه، ۲- لزوم مهارت‌های متمرکز بر شناخت و ادراک خود برای موفقیت در فرآیند هدایت تحصیلی، ۳- به‌کارگیری مهارت‌های انتخاب مسئولانه در مواجهه با گزینه، ۴- مهارت‌ها اساسی اجتماعی برای انتخاب مسئولانه، ۵- امکان درک رابطه دانش با زندگی واقعی و ۶- یادگیری تعادل کار-خانواده در مسیر رشد شغلی مدرسه، است. این مقولات ناظر به شایستگی‌ها و صلاحیت‌های رشدی مبتنی بر مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان برای تصمیم‌گیری و انتخاب صحیح در برنامه هدایت تحصیلی است. بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به، مقولات اصلی ۴، ۲، ۳ و ۱ است که به مهارت‌های اساسی اجتماعی، شناخت و ادراک خود، انتخاب مسئولانه و تصمیم‌گیری شغلی آگاهانه اشاره دارند. در مقولات فرعی بیشتری فراوانی مربوط به، آماده برای تصمیم‌گیری مسئولانه، به‌کارگیری مهارت حل مسئله به‌تناسب سن رشدی، مهارت استقلال فردی، ضرورت خودآگاهی شخصی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کاربردی سازی آموخته‌ها است.

لزوم کسب مهارت‌های خودآگاهی شخصی و شغلی برای تصمیم‌گیری آگاهانه در پژوهش حاضر با پژوهش‌های مختلفی هماهنگ است. رضایی مدنی و همکاران (۱۳۹۸) بر لزوم خودشناسی، ارزیابی آگاهی از چگونگی انتخاب در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان تأکید دارند. این موضوع در مصاحبه مشاوران به این صورت مطرح بود: «یکی از چیزهایی که به بچه‌ها در انتخاب‌هاشون از جمله انتخاب رشته کمک می‌کنه اینه که اون‌ها از داشته‌ها و ظرفیت‌های فردی‌شون، باورها و احساسات‌شون و نقاط قوت و ضعف‌شون خبر داشته باشند» (کد ۹)، یا این که «دانش‌آموز لازمه توی یک چرخه‌ای بیفته که با کمک مشاور، توانایی‌ها رو بشناسه و با مواردی که در اطرافش هست و رشته‌هایی که وجود داره آشنا بشه، بعد خودش را نشون بده و توانایی‌هاش رو به منصفه ظهور برسونه و اون رشته و به

تبع اون، مشاغلی که با توانایی‌هاش هماهنگه را انتخاب کنه» (کد ۳). در این راستا، رابرتسون (۲۰۱۳) و پیتان و آتیکو (۲۰۱۷) معتقدند؛ برنامه‌های راهنمایی تحصیلی / شغلی با افزایش خودشناسی، ایجاد اعتمادبه‌نفس و خوش‌بینی در دانش‌آموزان به شناسایی اهداف آینده تحصیلی و هویت شغلی کمک می‌کند. کودرینسکیا و همکاران (۲۰۲۰) بر رشد خودادراکی و ایجاد تصور واقعی از خودآگاهی حرفه‌ای دانش‌آموزان برای تعیین اهداف و برنامه‌های تحصیلی و شغلی مناسب و ایجاد نگرش‌های اساسی فرد درباره مشاغل تأکید دارند. نپول آپوکاجور (۲۰۲۰) معتقد است؛ دانش‌آموزان باید به درک صحیحی از هویت شخصی و موقعیت خود رسیده باشند تا بتوانند خصوصیات و توانایی‌های بالقوه خود برای ایجاد مسیرهای زندگی شغلی و تحصیلی را به کار گیرند.

پژوهش‌های دیگری از تأثیر مهارت‌های اجتماعی در موفقیت تحصیلی / شغلی دانش‌آموزان حمایت می‌کنند. طبق یافته‌های موفیت^۱ (۲۰۱۱)، کودکانی که مهارت‌های اجتماعی قوی دارند، بیشتر دوست دارند که دوستی برقرار کنند، روابط دوستانه را با معلمان آغاز کنند؛ بنابراین در فعالیت‌های مثبت کلاسی شرکت کرده و مهارت‌های رشدی بیشتری نسبت به سایر همکلاسی‌های خود کسب می‌کنند. جونز، گرینبرگ و کروالی^۲ (۲۰۱۵) تأکید می‌کنند؛ آموزش مهارت‌های اجتماعی و عاطفی در دوران کودکی با تصمیم‌گیری‌های مهم فرد در آینده ارتباط مثبت داشته، و این افراد از امنیت شغلی، تحصیلی و همچنین سلامت جسمی و روحی بیشتری برخوردارند. برقراری روابط صحیح به‌عنوان یکی از مهارت‌های اجتماعی این‌چنین مطرح شد که؛ «علاوه بر این که لازمه بچه‌ها خود فرمان باریابند، به همون میزان لازمه که قدرت و سعه صدر برای کار مشترک و همکاری در فعالیت‌های جمعی با دوستان و همکلاسی‌هاشون رو داشته باشند و لازمه این، داشتن هنر روابط میان فردی است که آگه در خانواده‌ها هم خلی در آموزش و یاددان این مهارت باشه، مدرسه باید بتونه این امکان رشدی رو برای بچه‌ها فراهم کنه» (کد ۴).

در تبیین اهمیت شناخت و ادراک خود برای تصمیم‌گیری و انتخاب مسئولانه، می‌توان به این نکته توجه داشت که؛ سطح بالایی از خودآگاهی، ادراک خودپنداره واقعی و فقدان

1. Moffitt

2. Jones, Greenberg & Crowley

باورهای ناکارآمد، باعث ادغام دانش خود و دانش شغلی شده، در نهایت به توسعه اهداف شخصی قابل دستیابی و تصمیم‌گیری صحیح شغلی می‌شود (نپول آپوکاجور، ۲۰۲۰؛ کاراکان اوزدمیر، ۲۰۱۹؛ ساندرز، پیترسون، سامپسون و ریداردون، ۲۰۰۰). در بیان مشاوران این گونه بیان شد که: «باید به اون‌ها یاد بدیم درک واقع‌بینانه از خودشون داشته باشند و براین اساس، خود رو بپذیرند و برای هرآن چه هستند با هر میزان استعداد و توانمندی، احترام قائل شوند» (کد ۱۰). در تبیین این یافته می‌توان گفت، تصمیم‌گیرندگان که با خودادراکی و خودآگاهی بالا دارای مهارت و سازگاری مناسبی شده‌اند، منبع کنترل داخلی داشته و در این افراد وابستگی کمتر به دیگران و تمایل کمتر برای جلب رضایت دیگران مشاهده می‌شود که این امر در کاهش مشکلات ناشی از ابهام در تصمیم‌گیری و انتخاب مؤثر است (پرز و گاتی، ۲۰۱۷)؛ بنابراین آمادگی برای تصمیم‌گیری تحصیلی/ شغلی فراتر از ارائه اطلاعات ساده، نیازمند کسب مهارت‌های اساسی در برنامه‌ریزی، خودشناسی، حل مسئله و انتخاب‌گری است (لی، ۲۰۱۷). کاراکان اوزدمیر (۲۰۱۹)، کسب مهارت‌های سازگاری و تصمیم‌گیری را موجب کاهش سردرگمی دانش‌آموزان برای انتخاب رشته و شغل و ارتقاء سازگاری و رضایت آن‌ها در آینده می‌داند.

بخش سوم یافته‌ها به «عوامل مرتبط با مدرسه و خانواده» اشاره داشته که شامل ۵ مقوله اصلی است شامل؛ ۱- حمایت مشاوران از آمادگی دانش‌آموزان در شناخت خود و رشته‌ها، ۲- نقش کارآمدی مشاوران مدرسه در هدایت تحصیلی، ۳- نقش ویژگی‌های فرهنگی، تربیتی و موقعیتی خانواده در انتخاب‌گری فرآیند هدایت تحصیلی، ۴- تأثیرگذاری مربیان بر فراگیری دانش و مهارت لازم برای هدایت تحصیلی و ۵- ارزش‌گذاری دروس و مدرک تحصیلی مهارتی. بیشترین فراوانی به ترتیب متعلق به مقولات اصلی ۱، ۳، ۲ و ۴ است. این مقولات بر حمایت مشاوران از آمادگی دانش‌آموزان، نقش ویژگی‌های خانواده، کارآمدی مشاوران و تأثیرگذاری مربیان بر دانش و مهارت دانش‌آموزان تأکید دارند. بیشترین فراوانی در مقولات فرعی شامل؛ ضرورت آگاهی بخشی در فرآیند هدایت تحصیلی، هدایت‌گری مشاور مبتنی بر فرهنگ بومی و تأثیر ارزش‌های خانواده در انتخاب است.

-
1. Saunders, Peterson, Sampson & Reardon
 2. Perez & Gati

اهمیت حمایت مشاوران و تأثیر کارآمدی آن‌ها بر آمادگی دانش‌آموزان مورد حمایت پژوهش‌های مختلفی قرار گرفته است. رجبلو (۱۳۷۹) بر عدم تجربه و تخصص کافی اغلب مشاوران؛ ادیسی (۱۳۷۶) بر عدم تجربه کافی مشاوران؛ رضایی‌مدنی و همکاران (۱۳۹۸) بر ابهام مشاور در نقش خود و سردرگمی عوامل انسانی درگیر در فرآیند هدایت تحصیلی؛ و موسوی و همکاران (۱۳۹۹) بر تداخل نقش و کلی‌گویی مشاور به‌عنوان مشکلات مرتبط با نقش مشاور در هدایت تحصیلی موجود تاکید دارند که با یافته‌های این بخش هم‌سو است. این موضوع در بیان یکی از مشاوران این‌گونه آمده است: «موانع کار مشاوره بخشنامه‌های خیلی زیاده و کاغذبازی‌ها خیلی زیاد. من سرکلاس‌ها حاضر می‌شم و توی مدرسه کار انجام میدم و باید برای این کارها کلی عکس بفرستم و گزارش پرکنم. حالا یک پوشه برای مدیر باید بذارم و یک پوشه برای اداره باید بذارم و یک پوشه برای خودم. پس من کی برسم کار کنم؟ یعنی کلی وقت برای پرکردن گزارش، عکس گرفتن و ارسال این‌ها بذارم. دیگه مجبور می‌شیم کارهای دستی و اداری را ببریم خونه و از زندگی مون بذاریم» (کد ۸).

کودرینسکیا و همکاران (۲۰۲۰)، نقش مشاوران در تسهیل فرآیند کسب مهارت‌ها و توانایی‌های متناسب با علائق دانش‌آموزان در آمادگی تحصیلی / شغلی را دارای اهمیت بالایی می‌دانند. پژوهش‌های دیگری بر اهمیت راهبری مشاوران مدرسه در آگاه‌سازی تحصیلی / شغلی دانش‌آموزان تأکید دارند، این راهبری، گستره‌ای از ارائه اطلاعات در خصوص گزینه‌های تحصیلی و شغلی تا نحوه اخذ تحصیلات بهینه و تصمیم‌گیری در انتخاب بهترین گزینه موجود را شامل می‌شود (هاستین، نیلسون و زیمرمن، ۲۰۱۵؛ هاکسبی و آوری، ۲۰۱۳؛ ریپولوس و دوان، ۲۰۱۳). در تبیین اهمیت نقش مشاوران کارآمد، بریگمن و گمبل (۲۰۰۳) بیان می‌دارند که مشاوران متخصص، افرادی هستند که بیشترین تماس را با مشکلات هیجانی و رفتاری دانش‌آموزان دارند و جزء منابع اولیه حمایتی و راهبری شرایط تحصیلی، شغلی و اجتماعی به‌شمار می‌روند. زمانی که مشاوران استانداردهای حرفه‌ای کاملاً استاندارد را دنبال می‌کند، تأثیر معناداری در اثربخشی انواع خدمات راهنمایی و مشاوره به دانش‌آموزان خواهد داشت (بار و کاستلن، ۲۰۱۹).

1. Oreopoulos & Dunn
2. Brigman & Gmpbell
3. Barr & Castleman

اهمیت نقش خانواده در پژوهش‌های ادریسی (۱۳۷۶) با عنوان مشکلات حاصل از عدم آگاهی خانواده‌ها؛ موسوی و همکاران (۱۳۹۹) با تأکید بر؛ تأثیر درک نادرست اولیا، کمیت مراجعات والدین، سرمایه فرهنگی خانواده و اصرار اولیا و تجربه آن‌ها در هدایت تحصیلی و شریفی و همکاران (۱۳۹۹) با عناوین مسئولیت‌پذیری و جایگاه اجتماعی والدین، با پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. یافته پژوهش کاراکان‌اوزدمیر و بیرنگونری^۱ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد، نقش حمایت اجتماعی ادراک شده از والدین، دوستان و افراد مورد توجه دیگر، بر تصمیم‌گیری و سازگاری تحصیلی / شغلی دانش‌آموزان دبیرستانی که برگشت به تحصیل داشته‌اند، تأثیر مثبتی دارد. در اهمیت تأثیر خانواده مشاوران این‌گونه اظهار داشتند که؛ «یک مانع خیلی مهم خونه است، یعنی فرهنگ بین اولیای دانش‌آموزان بر این اساس که بچه زمانی که به دنیا آمد باید دکتر بشه یا مهندس، اصلاً براشون قابل فهم نیست که بچه ممکنه یک مکانیک خوب بشه تراشکار خوب بشه یا هنرمند خوب بشه» (کد۲). «نگرش خانواده‌ها خیلی مهمه و خیلی‌ها به دنبال آرزوهای برآورده‌نشده خودشونند، چشم و هم چشمی‌های خانواده‌ها با هم و کمال‌گرایی و آرمان‌گرایی خانواده‌ها، که خیلی‌ها را به خودش مشغول کرده. به این معنی که هر کی تجربی رفت لباس پزشکی خواهد پوشید و این باعث شده خانواده‌ها درگیر یک سری نگرش‌های خاص بشن» (کد۳).

در تبیین این یافته‌ها باید توجه داشت که، مشاوران و مربیان مدارس با آموزش مهارت‌ها و کمک به غنی‌سازی تجربه‌های دانش‌آموزان، به افزایش خودپنداره مثبت، احساس خودارزشمندی و شناخت جنبه‌های مثبت خود کمک نموده که در رشد ادراک، افکار و احساسات شخص مؤثر بوده و سازگاری تحصیل و شغلی را در پی دارد (نوابی‌نژاد، ۱۳۹۳). هم‌چنین آن‌ها با ارتقاء خودآگاهی و خودادراکی دانش‌آموزان، به توسعه راهبردهای یادگیری، برنامه‌ریزی برای آینده و تصمیم‌گیری در انتخاب گزینه‌های تحصیلی و شغلی کمک می‌کنند (ونگ و یوئن، ۲۰۱۹). مربیان برای اجرای هرچه‌بهتر برنامه‌های راهنمایی و مشاوره لازم است که دانش‌آموزان را مطابق راهبری مشاور مدرسه جهت دهند چرا که افراد نیازمند راهنمایی شخصی (منصور، ۲۰۱۰) و

-
1. Karacan - Ozdemir & Yerin - Guneri
 2. Wong & Yuen
 3. Mansor

دارای مسائل سوء رفتار، فقط در صورت جهت‌دهی توسط سایر عوامل مدرسه، برای خدمات مشاوره مراجعه می‌کنند و بسیاری از دانش‌آموزان تمایلی برای مراجعه داوطلبانه و دریافت خدمات ندارند (عبدالرحمن؛ ۲۰۱۳). تأثیر مثبت همگونی فرهنگی مشاور با دانش‌آموزان در پژوهش مالهرن (۲۰۲۰) به این صورت مشاهده شد؛ دانش‌آموزان از همراه شدن با یک مشاور هم‌نژاد خودشان و یا دارای تحصیلات از کالج محلی بیشتر سود می‌برند. دانش‌آموزان غیر سفید پوست اگر با یک مشاور غیر سفید پوست متصل شوند، به احتمال زیاد از دبیرستان فارغ‌التحصیل می‌شوند و در کالج تحصیل می‌کنند. دلیل این نتیجه ممکن است به آشنایی بومی / محلی مشاور با شرایط تحصیل، شغل‌یابی و سازگاری در زندگی برگردد. البته ادراک فرهنگی دانش‌آموز نیز در این رابطه باید ارتقاء یابد که در بیان یکی از مشاوران این چنین لحاظ شده است: «بالاخره یک‌روز که از این محیط خارج شد بتونه تعامل لازم را با دیگر فرهنگ‌ها داشته باشه و شناخت فرهنگی برای ما خیلی لازم و ضروریه» (کد ۷).

بخش چهارم یافته‌ها «چالش‌های هدایت تحصیلی موجود» را با تأکید بر ۵ مقوله اصلی نشان می‌دهد. این مقولات شامل؛ ۱- ناهماهنگی اهداف سازمانی با الزامات دانش‌آموز در انتخاب رشته، ۲- ناکارآمدی آزمون‌های فعلی هدایت تحصیلی در کمک به شناسایی دانش‌آموزان و ضرورت بازنگری آن‌ها، ۳- تحریف معنای موفقیت تحصیلی با تمرکز بر نمره‌محوری و غفلت از مهارت‌های اساسی رشد شخصی و اجتماعی، ۴- بی‌انگیزگی در شناخت رشته‌ها و مشاغل به‌واسطه‌ی عدم همخوانی توزیع رشته‌های تحصیلی با نیازهای جامعه و ۵- عدم فرصت کافی مشاوران در مهارت‌آموزی به‌واسطه اشتغال در فعالیتهای نامرتب با نقش است. بیشترین فراوانی به ترتیب، مقولات اصلی شماره ۳، ۴ و ۲ است. در مقولات فرعی نیز بیشترین فراوانی مربوط به؛ اولویت معیارهای کمی بر کیفیت‌های رشدی و فردی، بی‌توجهی به ظرفیت‌های فردی با انحصار موفقیت در نمره، ابهام در فهم سؤالات آزمون‌های هدایت تحصیلی و ناهمخوانی انتخاب‌ها با شرایط واقعی رشته‌ها است. بنابراین ناکارآمدی آزمون‌های فعلی، تحریف معنای موفقیت تحصیلی در نمره، بی‌انگیزگی به‌واسطه‌ی عدم هم‌خوانی رشته‌های تحصیلی با نیازهای جامعه در این بخش که دارای بالاترین فراوانی در مقولات اصلی و فرعی هستند، نیازمند تبیین می‌باشند.

اولویت معیارهای کمی و ابهام در فهم سؤالات آزمون‌ها با پژوهش‌های رضایی مدنی و همکاران (۱۳۹۸) که ابهام در برخی سؤالات آزمون و موسوی و همکاران (۱۳۹۹) که عیوب برگه‌ها و کثرت سؤالات را گزارش نموده‌اند همسو است. در بیان مشاوران این چنین مطرح شد که: «دانش آموز بلا تکلیفه، خیلی سؤالات رو نمی‌فهمه از مشاور هم که می‌پرسه مشاور می‌گه من نمی‌دونم هر چی بلدی بنویس» (کد ۷). «خیلی از بچه‌هایی که من باهاشون ارتباط داشتم اصلاً نمی‌دونند که این سؤالات چیه و معنی بعضی از جملات را بلد نیستن. اگه شما معنی جملات و سؤالات را هم به اونا بگی بعدش نمی‌دونند که این به چه کارشون می‌خواد بیاد و اصلاً باید به این‌ها جواب بدن. البته این هم نمونه که خیلی از ما مشاورا هم نمی‌دونیم که واقعاً علت وجود بعضی از این سؤالات و آزمون‌ها چیه!» (کد ۵).

تحریف معنای موفقیت تحصیلی با تمرکز بر نمره محوری و انحصار در عملکرد تحصیلی با پژوهش‌های نویدی (۱۳۷۸) که عدم معناداری ملاک‌ها به غیر از عملکرد تحصیلی؛ احمدی (۱۳۹۴)، عدم ارزیابی صحیح و دقیق استعدادها به دلیل تمرکز بر نمرات درسی؛ رضایی مدنی و همکاران (۱۳۹۸)، وزنه سنگین عملکرد تحصیلی و موسوی و همکاران (۱۳۹۹) که تعیین‌کنندگی نمره کارنامه را به عنوان چالش‌های هدایت تحصیلی گزارش نموده‌اند، هم‌سو است. ماتو^۱ (۲۰۱۳) نیز انحصار موفقیت تحصیلی در نمرات مدرسه را یکی از چالش‌های نظام آموزشی برمی‌شمرد. مطالعات آکوک^۲ (۲۰۱۲) بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی ترکیه نشان داد که رضایت درونی، احساس مسئولیت و خطرپذیری، پافشاری و برخورد با عدم اطمینان، که همه این‌ها می‌تواند ناشی از احساس کنترل فرد در شرایط مختلف باشد، با تصمیم‌گیری تحصیلی / شغلی ارتباط مثبت دارد. یکی از مشاوران در ضرورت چندبعدی‌نگری به موفقیت بیان داشت: «برای انتخاب رشته، عملاً بر نمرات دانش‌آموز تمرکز می‌شه و غالب فعالیت‌ها و انتظارات در مدرسه بر اساس این معیار صورت می‌گیره و همین موجب می‌شه که بچه‌ها بدون توجه به ویژگی‌های درونی خود و شناخت واقعی رشته‌ها مسیر آینده‌شون رو شکل بدنند که این نوع سیاست‌گذاری در مدارس، می‌تونه دانش‌آموز رو در آینده دچار مشکل کنه» (کد ۲).

1. Matovu
2. Akkoc

پژوهشگران موفقیت تحصیلی را سازه‌ای چندبعدی می‌دانند که علاوه بر نمرات درسی خوب، به سخت‌کوشی، تاب‌وری در مشکلات و اتمام موفق تحصیلات مدرسه اطلاق می‌شود (دیتون؛ ۲۰۰۸). گرین^۲ و همکاران (۲۰۱۲) مؤلفه‌های مهارت حل مسائل ساده و پیچیده، خودارزشمندی و داشتن خودپنداره کارآمد (احساس توانمندی در انجام کارها) را در کنار نمرات درسی بالا به‌عنوان موفقیت تحصیلی لحاظ می‌کنند. کهدویی، فلسفی‌نژاد و برجلی (۱۳۹۵) با مطالعه تدوین و اعتباریابی مدل علی موفقیت تحصیلی در دبیرستان، موفقیت تحصیلی را سازه‌ای جامع و چندبعدی یافتند که شامل ابعاد چندگانه‌ای از تحول فردی و اهداف مختلف آموزشی است. در این پژوهش تمام پارامترهای پنج‌گانه؛ هوش، علائق، شخصیت، عملکرد تحصیلی و متغیرهای محیطی، اثرات معناداری بر موفقیت تحصیلی نشان دادند.

بی‌انگیزگی به‌واسطه‌ی عدم هم‌خوانی رشته‌های تحصیلی با نیازهای جامعه با پژوهش‌های شفیقین (۱۳۷۶) که بر عدم هماهنگی هدایت با امکانات و نیازهای کشور و اقبالی (۱۳۹۳) که توزیع نامتوازن دانش‌آموزان مستعد در رشته‌های مختلف را درخصوص چالش‌های هدایت تحصیلی عنوان نموده‌اند، هم‌سو است. هم‌چنین مطالعه اسکندری (۱۳۹۶)، در خصوص عدم آشنایی دانش‌آموزان با شرایط عملی اشتغال به‌عنوان یکی از چالش‌های مداوم هدایت تحصیلی، با نتایج پژوهش حاضر هماهنگ است. در این خصوص یکی از مشاوران گفت: «مشاور باید یک سری خدمات مشاوره‌ای و راهنمایی به دانش‌آموزان و اولیاشون بده که مطابق استعداد و توانایی و واقعیت بازار کار در جامعه به دانش‌آموزان کمک‌کنه که انتخاب درست‌تری داشته باشه و مطابق رغبت و توانایی‌هاش باشه» (کد۱). در تبیین این یافته باید دقت نمود، زمانی که دانش‌آموز بدون آگاهی و در نظر گرفتن واقعیات، شغلی را برمی‌گزیند، عدم تطابق شرایط شغلی با توانایی، علائق و شرایط شخصی / اجتماعی فرد به پشیمانی فرد خواهد انجامید. صالح، عبدالرحمن، تیلا و علی^۳ (۲۰۲۰) تأکید دارند؛ هرچه آگاهی فرد از واقعیت‌های پیش‌روی یک انتخاب بیشتر باشد، در ادامه کار باورها و احساسات او محکم‌تر و روشن‌تر شده، احتمال تثبیت عملکرد فرد در زمینه انتخابی بیشتر می‌شود.

1. Deaton
2. Green
3. Saleh, Abdulrahman, Tela & Ali

بنابراین صرف نظر از رویکردهای مورد استفاده کشورهای مختلف در آماده‌سازی دانش‌آموزان برای مسیرهای تحصیلی / شغلی آینده، مطابق یافته‌های پژوهش حاضر و مطالعاتی که ذکر شد، انتخابی که با توانایی‌ها، علائق، مهارت‌ها و ارزش‌های یک شخص مطابقت داشته باشد به‌طور قابل توجهی شانس فرد را برای موفقیت شخصی، تحصیلی، اقتصادی و اجتماعی افزایش می‌دهد (مطالعات بیش‌تر؛ استیل‌ول و سابل، ۲۰۱۳؛ کوچ^۲ و همکاران، ۲۰۱۶ و مادولیا^۳، ۲۰۱۷). همان‌طور که هیدن^۴ (۲۰۱۱)، به نقل از؛ سینک^۵ (۲۰۰۵؛ ترجمه نظری و سلیمانیان، ۱۳۸۸) بیان می‌دارد؛ برنامه‌های راهنمایی تحصیلی در مدارس، علاوه بر کمک به دانش‌آموزان در انتخاب شغل، لازم است برآورده کردن نیازهای اساسی خود، خودآگاهی و پذیرش دیگران، توسعه ارتباطات با همسالان، حفظ تعادل بین سهل‌انگاری و کنترل در محیط‌های آموزشی، دستیابی به موفقیت و فراهم کردن فرصت برای به‌دست آوردن استقلال را باید مدنظر داشته باشد. البته مشاور مدرسه که مسئولیت تخصصی اجرای هدایت تحصیلی را برعهده دارد، امروزه از نقش سنتی خود که ارائه خدمات محدود تحصیلی و شغلی به دانش‌آموزان مسئله‌دار بود، به نقش جدیدی تحول یافته است که متمرکز بر موفقیت دانش‌آموزان بر اساس رشد تحصیلی، شغلی و شخصی / اجتماعی است (وی‌چنج، جیاکی و کیمبرلی^۶، ۲۰۱۶). علاوه بر راهنمایی تحصیلی، در تمامی برنامه‌ریزی‌های مربوط به نظام‌های آموزشی از جمله برنامه‌های راهنمایی و مشاوره مدرسه، شناسایی نیازها، صلاحیت‌ها و تکالیف رشدی، یکی از مراحل اساسی است و شناخت دقیق این نیازها، به‌عنوان اساس ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره، در تبیین محورهای اساسی این برنامه‌ها کمک می‌کند (دوگار^۷، ۲۰۱۱؛ آستوتی، ۲۰۱۹).

در پایان پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی نیز در خصوص صاحب‌نظران، مشاوران سایر استان‌ها و شهرستان‌ها و دانش‌آموزان پایه نهم برای تصمیم‌گیری جامع در این خصوص انجام گیرد. تعیین شایستگی‌های رشدی دانش‌آموزان در پایه‌های تحصیلی و بررسی ابعاد

-
1. Stillwell & Sable
 2. Koech
 3. Mudulia
 4. Heyden
 5. Christopher Sink
 6. Wei-Cheng, Jaqi, Kimberly
 7. Dogar

راهنمایی تحصیلی / شغلی دانش‌آموزان در اسناد بالادستی هم‌چون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مطالعه تطبیقی هدایت تحصیلی سایر کشورها به تعیین مسیری روشن در آماده‌سازی دانش‌آموزان مدارس برای موفقیت‌های تحصیلی / شغلی مؤثر خواهد انجامید.

منابع

- احمدی، سید احمد. (۱۳۹۴). *مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره*، تهران: انتشارات سمت.
- ادریسی، نعمت‌الله. (۱۳۷۶). بررسی مشکلات اجرایی موجود در روند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه نظام جدید شهر یزد، گزارش طرح پژوهشی، یزد، اداره کل آموزش و پرورش یزد.
- اسکندری، پروانه. (۱۳۹۶). چالش‌های هدایت تحصیلی نوین و گذر از این چالش‌ها. اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روان‌شناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه علمی کاربردی شوشتر، شیراز.
- اقبال، لیلا. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی فرآیند هدایت تحصیلی در مدارس و ارائه راه کارهای اصلاحی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- حسینی بیرجندی، سیدمهدی. (۱۳۹۷). *راهنمایی و مشاوره تحصیلی*، ویراست جدید. تهران: انتشارات رشد.
- حمیدی پور، رحیم. (۱۳۷۹). بررسی رابطه هدایت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر سال دوم دبیرستان‌های نظام جدید شهرستان‌های استان تهران. گزارش طرح پژوهشی. تهران: اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۱). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، دوره ۳۴ جلدی.
- رجبلو، مهدی. (۱۳۷۹). بررسی مسائل مشاوره درآموزشگاه‌های متوسطه استان گلستان از دیدگاه مشاوران. گزارش طرح پژوهشی. گرگان: اداره کل آموزش و پرورش استان گلستان.

رخصت طلب، کاظم. (۱۳۷۵). بررسی تنگناهای هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در نظام جدید آموزش متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.

رضایی مدنی، مرتضی؛ کلاترهرمزی، آتوسا و نعیمی، ابراهیم. (۱۳۹۸). بررسی فرآیند هدایت تحصیلی نوین از منظر مشاوران مدارس. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۰ (۳۴)، ص ۲۷-۴۸.

زرافشان، علی. (۱۳۹۵). هدایت تحصیلی دانش‌آموزان چگونه انجام می‌شود؟، رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش، (۴۳)، ص ۲۷-۲۲.

سینک، کریستوفر. (۲۰۰۵). مشاوره مدرسه در عصر حاضر: نظریه، پژوهش و کاربرد؛ ترجمه علی اکبر سلیمانان و علی محمد نظری (۱۳۸۸). تهران: نشر علم.

شریفی، بهمن؛ نیازآذری، کیومرث و جباری، نگین. (۱۳۹۹). ارائه مدلی برای دستیابی به هدایت تحصیلی کارآمد دانش‌آموزان در نظام آموزشی ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی‌نودر مدیریت آموزشی، ۱۱ (۱)، ص ۱۶۰-۱۲۵.

شفقتیان، ایرج. (۱۳۷۶). بررسی نظر دانش‌آموزان علوم تجربی و علوم انسانی و مشاوران شهر زنجان نسبت به ملاک‌ها ضوابط هدایت تحصیلی در نظام جدید آموزش متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی.

صافی، احمد. (۱۳۹۴). اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در دوره‌های تحصیلی، تهران: انتشارات رشد.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

طبرسی، فضل‌بن حسن. (۱۳۸۴). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ هشتم.

کهدویی، سمیه؛ فلسفی نژاد، محمدرضا و برجعلی، احمد. (۱۳۹۶). تدوین و اعتباریابی مدل علمی موفقیت تحصیلی در دبیرستان. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۷ (۲۸)، ص ۳۳-۶۴.

مطهری، محمدرضا. (۱۳۸۱). مشاوره و راهنمایی از دیدگاه اسلام. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، نشریه معرفت، شماره ۵۷، ص ۵۰-۶۴.

موسوی، سیدعلی؛ پیرانی، عارف و مؤمنی، حسن. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی فرآیند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان پایه نهم استان ایلام. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۱۹ (۷۵)، ص ۱۴۸-۱۲۳.

نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطباء). (۱۳۵۵). *فرهنگ نفیسی*، تهران: انتشارات خیام، دوره ۵ جلدی.

نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۹۳). مشاوره چیست؟ مشاور کیست؟، *ماهنامه پیوند*، فروردین و اردیبهشت ماه، ش ۴۱۶-۴۱۵، ص ۱۲-۱۱.

نویدی، احد. (۱۳۷۸). بررسی سهم هر یک از ملاک‌های هدایت تحصیلی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نظام جدید آموزش متوسطه، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۶۰، ص ۱۳۴-۹۷.

نویدی، احد. (۱۳۹۷). هدایت تحصیلی در نظام آموزش و پرورش ایران: تجارب عملی و چالش‌های پایدار. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۱۳۳، ص ۳۴-۹.

Abdul Rahman, A. M. (2013). A guidance and counseling model practiced within Malaysian schools. *International Journal of Education and Research*, 1 (4), 1-12.

Abu Shosha, G. (2012). Employment of Colaizzi's strategy in descriptive phenomenology: A reflection of a researcher. *European Scientific Journal*, 8 (27), 31-43.

Ajowi, J. O., Simatwa, E. M. W. (2010). The role of guidance and counseling in promoting student discipline in secondary schools in Kenya: A case study of Kisumu district. *Educational Research and Reviews*, 5 (5), 263-272.

Alpon Satrianto, K. (2020). The Influence of Educational Financing, Career Guidance, Student Learning Motivation, Learning Discipline on Readiness to Enter the World of Work on Students Senior High School in Padang City. *Advances in Economics, Business and Management Research*, 152, 286-296.

Anagbogu, M. A., Mwokdo, C. N., Anyomene, A. N., Anyachebule, F. T. & Umezulike, R. Q. (2013). Professional challenges to counseling practice in primary schools in Anambra state, Nigeria: *The way forward*. *International Journal of Psychology and Counselling*, 5 (5), 97-103.

Astuti, I. (2019). The Implementation of ADDIE Model in Developing Career Guidance Program in Senior High School. *Journal of Education, Teaching, and Learning*, 4 (1), 174-179.

Barr, A., & Castlema, B. (2019). Exploring Variation in College Counselor Effectiveness." *In AEA Papers and Proceedings*, 109, 227-31.

Bauman, S. (2008). The role of elementary school counselors in reducing school bullying. *Elementary School Journal*, 108, 362-275

- Bettinger, E. P., Terry Long, B., Oreopoulos, P., & Sanbonmatsu, L. (2012). The role of application assistance and information in college decisions: Results from the H & R Block FAFSA experiment. *The Quarterly Journal of Economics*, 127 (3), 1205-1242.
- Bhargava, S., Loewenstein, G., & Sydnor, J. (2017). Choose to lose: Health plan choices from a menu with dominated option. *The Quarterly Journal of Economics*, 132 (3), 1319-1372.
- Bird, K. A. (2019). *Nudging at Scale: Experimental Evidence from FAFSA Completion Campaigns*, National Bureau of Economic Research No. w26158.
- Blair, G. M., Jones R. S., And Simpson, H. R (2016). *Educational Psychology*, London: MacMillan.
- Brigman, G., & Gmpbell, C. (2003). Helping students improve academic achievement & school success behavior. *Professional school counseling*, 7 (2), 91-98.
- Butakova, M. M., Sokolova, O. N., Zaitseva, N. A., Larionova, A. A., Ignatova, M. N., Trufanova, S. N., & Yakovlev, A. Y. (2020). Evolution and current development trends of the Russian federation's higher education system. *Opción*, 36 (Special Edition 27): 1718-1733.
- Deaton, M. J. (2008). Academic success of Appalachian adolescents: the impact of parental authority and family. Dissertation of MA. Department of family studies and social work, Miami university Oxford Ohio.
- Dhami, M., & Sharma, S. (2020). Assessment of adolescents' perception of sources of guidance. *Pharma Innovation*, 9 (7), 139-144.
- Dogar, A. H., (2011). Need Assessment of Students' Guidance and Counseling. *British Journal of Arts and Social Sciences*, 1 (2), 108-124.
- Caballero, C. L., Walker, A., & Fuller-tyszkiewicz, M. (2011). The Work Readiness Scale (WRS): Developing a measure to assess work readiness in college graduates. *Journal of Teaching and Learning for Graduate Employability*, 2 (2), 41-54.
- CEDEFOP. (2015). Career guidance in unstable times: Linking economic, social and individual benefits. Thessaloniki: European Centre for the Development of Vocational Training.
- Creswell, J. W. (2012). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research* (4th ed), Boston, M. A: Pearson.
- Council of the European Union. (2004). Resolution of the council and of the representatives of the member states meeting within the council on strengthening policies, system and practices in the field of guidance throughout life in Europe.
- Egbo, J. E. (2015). Need for Guidance and Counselling at primary school level: Early intervention strategies for school children. *British Journal of Education*, 3 (6), 1-8.
- Egbo, C. A. (2017). Impact of Vocational Guidance on Career Choice of Secondary School Students in Enugu South local Government Area of

- Enugu State, Nigeria. *International Journal of Contemporary Applied Sciences*, 4 (5) 66-72.
- Green, J., Arief, G., Liem, A., Colmar, S., Marsh, H. & McInerney, D. (2012). Academic motivation, self-concept, engagement, and performance in high school: Key processes from a longitudinal perspective, *Journal of Adolescence*, 35 (5): 1111-1122.
- Gurantz, O. (2019). *Virtual Advising for High-Achieving High School Students*. EdWorking Paper.
- Heller, S. B., (2017). Thinking, fast and slow? Some field experiments to reduce crime and dropout in Chicago. *The Quarterly Journal of Economics*, 132 (1), 1-54.
- Hastings, J., Neilson, C. A., & Zimmerman, S. D. (2015). The effects of earnings disclosure on college enrollment decisions. *National Bureau of Economic Research*, NBER Working Paper No. 21300.
- Hayes, D. & Singh. (2012). *Qualitative inquiry in clinical and educational settings*, New York: The Guilford Press.
- Hearne, L., Geary, T., & Martin, N. (2016). A Single Case Study of a Whole School Approach to Guidance Counselling in an Irish Post-Primary School. This research project was funded by the Faculty of Education and Health Sciences, *University of Limerick*, Seed Funding Initiative.
- Hooley, T., & Rice, S. (2018). Ensuring Quality in Career Guidance: A Critical Review. *British Journal of Guidance and Counseling*, 41 (3), 472-486.
- Hoxby, C., & Christopher, A. (2013). The missing 'one-offs': The hidden supply of high-achieving, low-income students. *Brookings Papers on Economic Activity*, 1, 1-65.
- Jones, D. E., Greenberg, M, and Crowley, M. (2015). Early Social-Emotional Functioning and Public Health: The Relationship Between Kindergarten Social Competence and Future Wellness. *American Journal of Public Health*, 105 (22), 83-90.
- Karacan-Ozdemir, N., & Yerin Guneri, O. (2017). The factors contribute to career adaptability of highschool students. *Eurasian Journal of Educational Research*, 67, 183-198.
- Karacan-Ozdemir, N. (2019). Associations between career adaptability and career decision-making difficulties among turkish high school students. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*, 19, 475-495.
- Karp, M. M. (2011). Toward a new understanding of non-academic student support: Four mechanisms encouraging positive student outcomes in the community college. Assessment of Evidence Series. (CCRC Working Paper No. 28.) New York, NY: Columbia University, Teachers College, *Community College Research Center*.
- Khajeali, N. (2016). Counseling Needs of Medical Students at the Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Iran. *The Online Journal of Counseling and Education*, 5 (1), 1-13.
- Koech, J., Bitok, J., Ruto, D., Koech, S., Okoth, J. O., Korir, B. & Ngala, H. (2016). Factors influencing career choice among under graduates

- students in public universities in Kenya. A case study of University of Eldoret. *International Journal of Contemporary Applied Sciences*, 3 (2), 50-63.
- Kudrinskaia, I. V., Kidinov, A. V., Kabkova, E. P., Mechkovskaya, O. A., Mudrak, S. A., Novikov, S. B., & Agadzhanova, E. R. (2020). The problem of career guidance of the youth in domestic pedagogical theory and practice. *Eurasia J Biosci*, 14, 3815-3821.
- Lee, J.C.K. (2017). Curriculum reform and supporting structures at schools: Challenges for life skills planning for secondary school students in China (with particular reference to Hong Kong). *Educational Research for Policy and Practice*, 16 (1), 61-75.
- Mann, A., & Huddleston, P. (2016). Schools and the Twenty First Century Labour Market: Perspectives on Structural Change. *British Journal of Guidance and Counseling*, 45 (2), 208-218.
- Mansor, A. T. (2010). Cultural influences and mandated counseling in Malaysia. *Asian Culture and History*, 2 (1), 28-33.
- Matovu, M. (2013). A structural equation modeling of the academic self-concept scale. *International Electronic Journal of Elementary Education*, 6 (2), 185- 198.
- Mitin, S. N., Shukshina, L. V., Bazhdanova, Y. V., Koretskaya, I. A., & Vasyakin, BS. (2017). Value and meaning attitudes as a factor of forming tolerant ethnic consciousness in the multicultural milieu of a higher education institution. *Eurasian Journal of Analytical Chemistry*, 12 (7), 1193-1200.
- Morrow, R., Rodriguez, A. & King, N. (2015). Colaizzi's descriptive phenomenological method. *The Psychologist*, 28 (8), 643-644.
- Mudulia, A. M. (2017). Relationship between Career Guidance and counseling and Career Choice among secondary School Girls in Vihiga County, Kenya (Doctorate Thesis, Moi University).
- Mulhern, C. (2020). Beyond Teachers: Estimating Individual Guidance Counselors' Effects on Educational Attainment. Job Market Paper, *Harvard University*.
- Nachmias, S., & Walmsley, A. (2015). Making Career Choice in a Changing Graduate Labour Market: A Hospitality Perspective. *Journal of Hospitality, Leisure, Sports and Tourism*, (17), 50-58.
- Ndoye Upoalkpajor, J. L. (2020). Career Guidance and Its Implications for Students' Career Choices: The Case of Public Senior High Schools in Ghana. *Journal of Education, Society and Behavioural Science*, 33 (8), 62-69.
- Njogu, W., Kibaara, D. T., & Gichohi, D. P. (2019). how career guidance services affect career choice among public secondary school students in Meru County. Kenya. *African Journal of Emerging Issues*, 1 (8), 1-13.
- Nong, T. W. (2016). The Impact of Career Guidance(CG) for Career Choice(CC) in the Secondary Schools of Sepitsi Circuit in Lebowakgomo District Limpopo Province, South Africa (Masters' Thesis, University of Limpopo).

- Nosakov, I. V., & Nosakova, T. V. (2016 a). Modeling the professional competence of human capital for the organization's innovative activities. URL: <http://novainfo.ru/article/7493>.
- Nosakov, I. V., & Nosakova, T. V. (2016 b). On the difficulties of personality career guidance. URL: <https://novainfo.ru/article/7514>.
- Nosakov, I. V., & Nosakova, T. V. (2016c). Social, psychological and pedagogical aspects of career guidance. URL: <http://novainfo.ru/article/7494>.
- Ogunsanmic, J.O. (2011). Awareness of teachers on the effectiveness of guidance and counseling in primary schools in Nigeria. *International Journal of Academic research in Business and social sciences*. 1 (Special issue), 176-183.
- Oreopoulos, P., & Ryan, D. (2013). Information and college access: Evidence from a randomized field experiment." *The Scandinavian Journal of Economics* 115 (1), 3-26.
- Perez, M., & Gati, I. (2017). Advancing in the career decision-making process: The role of coping strategies and career decision-making profiles. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*, 17, 285-309.
- Pitan, O. S., & Atiku, S. O., (2017). Structural determinants of students' employability: Influence of career guidance activities. *South African journal of Education*, 37 (4), 1-13.
- Pryazhnikova, E. Y. (2004). *Games and methods for professional self-determination of senior pupils*, Moscow: First September.
- Robertson, P. J. (2013). The well-being outcomes of career guidance. *British Journal of Guidance & Counseling*, 41(3), 254-266.
- Romanova, AV, Salakhova VB, Ganova TV, Nalichaeva SA, Nazarova LS, Dolzhenko A. I. (2019). Hardiness as a component for sustainable development of a person's personality: Ecological and psychological aspect. *EurAsian Journal of BioSciences*, 13 (2): 1833-1840.
- Rudolph, C. W., Lavigne, K. N., & Zacher, H. (2017). Career adaptability: A meta-analysis of relationships with measures of adaptivity, adapting responses, and adaptation results. *Journal of Vocational Behavior*, 98, 17-34.
- Saleh, B., Abdulrahman, A., Tela, M. G., & Ali, M. (2020). Influence of Guidance and Counseling Programme on Academic Performance among Secondary School Students in Maiduguri, Borno State, Nigeria. *Asian Journal of Education and Social Studies*, 12 (4), 36-42.
- Saunders, D. E., Peterson, G. W., Sampson, J. P., Jr., & Reardon, R. C. (2000). Relation of depression and dysfunctional career thinking to career indecision. *Journal of Vocational Behavior*, 56 (2), 288-298.
- Shirokova, OV. (2019). Efficiency of human resources of state structures: role of standardization. *Personality Formation*, 3 (4): 103-113.
- Simuforosa, M., & Loveness, C. (2017). Counselling Needs Among Primary School Learners: The Role Of School Counsellor. *Advances in Social Sciences Research Journal*, 4 (16).

- Sinyagina, N. Y. u., & Artamonova, E. G. (2019). Successful future: education priorities. *Personality Formation*, 3 (4), 10.
- Stillwell, R., & Sable, J. (2013). Public School Graduates and Dropouts from the Common Core of Data: School Year 2009–10: First Look (Provisional data).
- Supriyanto, G., Widiaty, I., Abdullah, A. G., & Yustiana, Y. R. (2019). Application expert system career guidance for students. *Journal of Physics: Conference Series*, 1402, 066031.
- Torunoglo, H. & Genctanirim, D. (2015). The perceptions of school counselors about the counseling and guidance programs of vocational high schools. *Social and Behavioral Sciences*, 174, 368–376.
- Trudi Aspden, P. B., Rachel, C. A., Pharm, B., Yue, L. B., Pharm, B., et al. (2015). What secondary school career advisors in New Zealand know about pharmacy and how that knowledge affects student career choices. *American Journal of Pharmacy Education*, 79 (1), 17-07.
- Wei-Cheng, J., Mau, Jiaqi, L., & Kimberly, H. (2016). Transforming High School Counseling: Counselors' Roles, Practices, and Expectations for Students' Success. *Connecting Education, Practice, and Research*, 6 (2), 83-95.
- Wong, L. P. W., & Yuen, M. T. (2019). Career guidance and counseling in secondary schools in Hong Kong: A historical overview. *Journal of Asia Pacific Counseling*, 9 (1), 1–19.
- Woolfolk, A. (2010). *Educational Psychology 11th Edition*. London: Pearson Education International.
- Yeager, D.S. (2017). Social and emotional learning programs for adolescents. *The Future of Children*, 27 (1), 73-94.
- Yuksel-Sahin, F. (2012). School Counselors' Assessment of the Psychological Counseling and Guidance Services they Offer at their Schools. *Social and Behavioral Sciences*, 47, 327 – 339.
- Zafar, M. (2019). Career Guidance in Career Planning among Secondary School Students. *Asian Journal of Education and Social Studies*, 5 (1), 1-8.